

نگرش اقتصادی به احراز رابطه سببیت در خسارات زیست محیطی

حسن بادینی^۱ _ فرزانه متوسلیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۵

چکیده

دشواری احراز رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر در حوادث زیست محیطی، امری مبتلا به است که در این حوزه اقامه دعای مسئولیت مدنی را با مانع روبرو می سازد. از نقطه نظر تحلیل اقتصادی حقوق، چنین مانعی می تواند بر درونی سازی کامل هزینه های فعالیت زیان بار تأثیر سوء گذارد و به دنبال آن، از بازدارندگی کارای نهاد مسئولیت مدنی بکاهد. این در حالی است که امروزه اهمیت رویکرد پیشگیرانه در مواجهه با حوادث زیست محیطی، چه در سطح داخلی کشورها و چه در اسناد بین المللی، مورد توجه جدی قرار گرفته و این اعتقاد وجود دارد که سیاست گذاری های مربوط به حفاظت از محیط - زیست - از جمله مسئولیت مدنی زیست محیطی - در صورتی مؤثر است که متضمن چنین رویکردی باشد. نوشتار حاضر با در نظر داشتن این رویکرد، کوشیده تا نخست فروشی را که در آن احراز رابطه سببیت با دشواری روبرو است، معرفی کند و سپس به این پرسش پاسخ دهد که از بین راهکارهای موجود در مواجهه با این فروض، کدام یک بیشترین همخوانی را با مقتضیات بازدارندگی کارا دارد. استفاده از نگرش اقتصادی برای پاسخگویی به پرسش فوق، نشان می دهد پذیرش مسئولیت نسبی در برخی از فروض مذکور، گامی به سوی تحقق عملی قابلیت های پیشگیرانه نظام مسئولیت مدنی زیست - محیطی است.

واژگان کلیدی: بازدارندگی، تحلیل اقتصادی، زیان دیده مجمل، سبب مجمل، عدم قطعیت رابطه سببیت، کارایی.

مقدمه

امروزه رویکرد پیشگیرانه نسبت به حوادث زیست محیطی، چه در سطح داخلی کشورها و چه در اسناد و متون بین المللی، اهمیت جدی یافته و این اعتقاد وجود دارد که سیاست گذاری- های مربوط به حفاظت از محیط زیست در صورتی مؤثر خواهد بود که متضمن چنین رویکردی باشد. در این رویکرد، مسئولیت مدنی یکی از ابزارهایی است که به واسطه کارکرد بازدارنده خود، مورد توجه قرار می گیرد.^۱ با این حال می توان گفت ضرورت توسعه و پیشرفت هرگز در سیاست گذاری های کشورها مغفول نمانده و در نتیجه قانون گذاران در حوزه مسئولیت مدنی زیست محیطی نیز راه حل هایی را مطلوب می دانند که در عین تأمین هدف پیشگیری، بیشترین هم خوانی را با مقتضیات اقتصادی داشته باشد.

در این میان اهمیت نگرش اقتصادی به مسئولیت مدنی زیست محیطی را می توان در تلاش برای تأمین هم زمان این دو هدف دانست. با این توضیح که نگرش اقتصادی از یکسو بازدارندگی را به عنوان هدف اصلی نهاد مسئولیت مدنی و در مرتبه ای بالاتر از جبران خسارت مورد توجه قرار می دهد^۲ و از سوی دیگر بر این نکته تأکید دارد که بازدارندگی به این معنا نیست که تا حد ممکن از وقوع هر حادثه ای جلوگیری به عمل آید. بلکه هدف، جلوگیری از وقوع حوادث به نحوی است که منجر به کارایی اقتصادی شود.^۳

در تلاش برای تحقق عملی این دو هدف باید توجه داشت که از نقطه نظر اقتصادی هر عاملی که اقامه و اثبات دعوی مسئولیت مدنی را به طور کلی با دشواری روبرو کند، باعث کاهش بازدارندگی کارایی این نهاد خواهد شد^۴ و این در حالی است که یکی از دشواری های مبتلابه در دعاوی مسئولیت مدنی زیست محیطی، احراز رابطه سببیت به عنوان یکی از ارکان نهاد مسئولیت مدنی است.^۵ بنابراین پرسش قابل طرح این است که در مواجهه با موانع احراز رابطه سببیت بین

۱. Sands, Philippe, Principles of International Environmental Law, 2nd ed, New York : Cambridge University press, 2003, p. 247.

۲. Schafer, Hans-Bernd; Ott, Claus, The Economic Analysis of Civil Law, Cheltenham: Edward Elgar, 2004, p. 111.

۳. بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲، ص ۴۳۲.

۴. Shavell, Steven, "Liability for Harm versus Regulation of Safety", The Journal of Legal Studies, vol. 13, no. 2, 1984, p. 363.

۵. Faure, Michael, "Environmental Liability", in Michael Faure (ed.), Tort Law and Economics, Cheltenham: Edward Elgar, 2009, p. 257.

فعل زیان‌بار و خسارت زیست‌محیطی، چه راهکاری برای حفظ بازدارندگی کارای نهاد مسئولیت مدنی باید به کار گرفته شود.

به نظر می‌رسد استفاده از اصول تحلیل اقتصادی در پاسخ به این پرسش، پیش‌ازاین مورد توجه حقوقدانان ایرانی قرار نگرفته، لذا در این نوشتار تلاش می‌شود با بهره‌گیری از این شیوه تحلیل، راهکارهایی معرفی گردد که در عین حمایت پیشگیرانه از محیط‌زیست، بتواند به واسطه کارایی اقتصادی مورد توجه قانون‌گذار نیز قرار گیرد. در این راستا نخست سه مانع اصلی در احراز رابطه سببیت؛ یعنی عدم قطعیت سببیت، مجمل بودن عامل زیان و مجمل بودن زیان‌دیده؛ تبیین می‌شود. سپس راهکارهای موجود در نظام‌های حقوقی در مواجهه با این سه مانع، به تفکیک بررسی و از حیث اقتصادی تحلیل خواهد شد.

۱- شناخت موضوع

اثبات ورود ضرر به زیان‌دیده و نیز ارتکاب تقصیر یا وقوع فعلی از طرف خواننده یا کسانی که مسئولیت اعمال آنان با او است، به‌تنهایی دعوی مسئولیت مدنی را توجیه نمی‌کند بلکه لازم است اثبات شود بین دو عامل ضرر و فعل زیان‌بار، رابطه سببیت وجود دارد به این معنا که ضرر از آن فعل ناشی شده است؛ بنابراین رابطه سببیت حلقه ارتباط فعل زیان‌بار و ضرر و احراز آن برای تحقق مسئولیت مدنی ضروری است.^۱

به‌طور کلی ساده‌ترین فرض در خصوص رابطه سببیت، وجود عامل زیان معین، زیان‌دیده معین و رابطه سببیت مسلم بین زیان و فعل زیان‌بار است. با این حال از لحاظ عملی، با مواردی روبرو هستیم که در آنها، چنین شرایطی به‌سادگی قابل احراز نیست:^۲

نخست، ممکن است رابطه سببیت بین فعل عامل زیان واحد و خسارت وارد بر زیان‌دیده واحد، روشن و مسلم نباشد. برای مثال اگر شواهد علمی نشان دهد که بروز بیماری ریوی در یک فرد، با احتمال چهل درصد ناشی از استنشاق ذرات پنبه نسوز^۳ در محل کار خود و با

۱. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۲، صص ۴۳۵.

۲. Faure, Michael, "Attribution of Liability: An Economic Analysis of Various Cases", Chicago-Kent Law Review, Volume 91, Issue 2, 2016, p. 603; Gilead, Israel et al, op. cit, pp. 12-14.

۳. Asbestos.

احتمال شصت درصد ناشی از سایر عوامل است، چگونه باید دشواری مربوط به عدم قطعیت رابطه سببیت را حل و فصل نمود؟

دوم، در مواردی عامل زیان مجمل^۱ است. به این معنا که با چند عامل زیان احتمالی روبرو هستیم که مرتکب فعل زیان بار مشابه شده اند و معلوم است که زیان تنها ناشی از فعل یک شخص از آن ها بوده اما تعیین این شخص ممکن نیست. برای مثال کارگری برای چهار کارفرمای متفاوت کار کرده و در هر چهار محیط در معرض استنشاق پنبه نسوز قرار داشته است. وی به دلیل وجود این ذرات در محیط کار خود، مبتلا به بیماری ریوی مسوتلیوما^۲ می شود. می دانیم که استنشاق میزان کمی از این ذرات برای آغاز بیماری کافی بوده اما روشن نیست در کدام یک از محیط های مذکور، ذرات موجب بیماری وارد بدن کارگر شده است. در این صورت کدام کارفرما را باید مسئول جبران خسارت وارد به کارگر دانست؟

سوم، گاه عامل زیان معین اما زیان دیده مجمل^۳ است؛ یعنی افراد متعددی در معرض فعل زیان بار قرار دارند و معلوم است که خسارت وارد به برخی از آن ها در نتیجه فعل عامل زیان بوده اما تعیین این زیان دیدگان ممکن نیست. برای مثال در اثر انتشار نوعی آلاینده در یک مکان، میزان ابتلا به بیماری خاصی در بین سکنه آن محل افزایش می یابد؛ بنابراین معلوم است بروز بیماری در تعدادی از این افراد ناشی از عوامل محیطی و در تعدادی ناشی از انتشار آلاینده مورد نظر است اما تعیین اینکه کدام یک از زیان دیدگان به دلیل آلودگی مبتلا به بیماری شده اند، ممکن نیست.

این سه فرض به عنوان دشواری های مبتلا به احراز رابطه سببیت در حوزه خسارات زیست محیطی مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است^۴ و در نتیجه می تواند اقامه دعاوی مسئولیت مدنی زیست محیطی را با مانع کلی روبرو کند. این در حالی است که مطابق نگرش، اموری که سبب

۱. Indeterminate tortfeasor.

۲. Mesothelioma.

استنشاق پنبه نسوز می تواند موجب بیماری های ریوی متفاوتی شود. در غالب این بیماری ها احتمال دخالت عوامل محیطی نیز وجود دارد. با این حال در خصوص برخی از اشکال این بیماری ها از جمله مسوتلیوما، تنها عامل شناخته شده ذرات مذکورند. (Sobczak, Faro, Liability for Asbestos-Related Injuries, Maastricht: Universitaire Pers Maastricht, 2013, p. 30)

۳. Indeterminate victim.

۴. See, e.g., Faure, Michael, "Environmental Liability", op.cit, pp. 257-259; Miceli, Thomas J, The Economic Approach to Law, California: Stanford University Press, 2004, pp. 97-99; Schafer, Hans-Bernd; Ott, Claus, op. cit, pp. 241, 242.

شود احتمال اقامه دعوا کاهش یابد، بازدارندگی کارای نهاد مسئولیت مدنی را کاهش می‌دهد.^۱ با این توضیح که:

اولاً، حقوقدانان اقتصادی با در نظر داشتن اینکه اتخاذ اقدامات احتیاطی مستلزم صرف هزینه است و تلاش برای پیش‌گیری از هر حادثه‌ای به معنای صرف هزینه بسیار زیاد خواهد بود؛ معتقدند قواعد حقوقی نباید در صدد پیشگیری از وقوع هر حادثه‌ای باشند بلکه باید به نحوی طراحی شوند که انگیزه اتخاذ سطح بهینه احتیاط^۲ را فراهم آورند.^۳ مقصود از سطح بهینه یا کارای احتیاط، سطحی از احتیاط است که هزینه اجتماعی حوادث^۴ - یعنی جمع هزینه حادثه (هزینه مورد انتظار حادثه) و هزینه جلوگیری از حادثه (هزینه احتیاط) - را به حداقل برساند.^۵ در توضیح بیشتر مفهوم به حداقل رساندن هزینه اجتماعی حوادث می‌توان گفت: روشن است که احتمال وقوع حادثه یا P با افزایش میزان احتیاط یا x کاهش می‌یابد؛ بنابراین $p = p(x)$ تابع نزولی از متغیر x است. فرض کنیم در صورتی که حادثه به وقوع پیوندد، منجر به بروز خسارتی معادل A خواهد شد. در این صورت حاصل ضرب A در p هزینه مورد انتظار حادثه را نشان خواهد داد. همانند تابع $\varphi(x)$ هزینه مورد انتظار حادثه یعنی $p(x)A$ نیز تابع نزولی احتیاط یا x است. به علاوه می‌دانیم که اتخاذ اقدامات احتیاطی موجب صرف هزینه، زمان و انرژی خواهد شد. اگر هزینه هر واحد احتیاط w باشد، حاصل ضرب w در x نشان‌دهنده هزینه کل احتیاط است؛ بنابراین با جمع هزینه احتیاط و هزینه مورد انتظار حادثه، هزینه اجتماعی که با نماد SC نشان داده می‌شود، به دست می‌آید. این هزینه عبارت است از: $SC = wx + p(x)A$. در نمودار ذیل، محور افقی مبین سطح احتیاط و محور عمودی مبین میزان هزینه از جمله هزینه احتیاط است؛ بنابراین با اضافه نمودن مقادیر دو نمودار هزینه احتیاط یا wx و هزینه مورد انتظار حادثه $\varphi(x)A$ نموداری U شکل مربوط به هزینه اجتماعی به دست می‌آید. مقدار x که در پایین این نمودار قرار دارد و با نماد x^* نشان داده می‌شود، سطحی از احتیاط را نشان می‌دهد که هزینه اجتماعی حادثه را به حداقل ممکن می‌رساند و به این ترتیب کارایی مورد نظر اقتصاد را تأمین می‌کند؛ بنابراین x^* را می‌توان

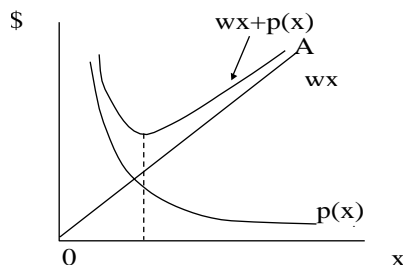
۱. Shavell, Steven, op. cit, p. 363.

۲. Optimal level of precaution.

۳. Faure, Michael, "Regulatory Strategies in environmental Liability", in Fabrizio Cafaggi & Horatia Muri Watt (eds.), *The Regulatory Function of European private Law*, Cheltenham: Edward Elgar, 2009, p. 134.

۴. Minimizing the social costs of accidents.

۵. Shavell, Steven, *Foundations of Economic Analysis of Law*, London: Harvard University Press, 2004, p. 178.

سطح کارا یا بهینه احتیاط نماید.^۱

نمودار هزینه اجتماعی حادثه

حال اگر اقامه نوع خاصی از دعاوی به طور کلی با دشواری روبرو باشد، عامل زیان با علم به اینکه مسئول جبران خسارت نخواهد بود؛ انگیزه‌ای برای محاسبه هزینه مورد انتظار حادثه در هزینه فعالیت خود ندارد و به این ترتیب بخشی از هزینه اجتماعی حادثه درونی سازی نخواهد شد. این امر از انگیزه عامل زیان برای کاهش خطر وقوع حادثه به نحو کارا، می‌کاهد. به عبارت دیگر در چنین شرایطی هزینه فعالیت برای عامل زیان معادل $wx+p(x)A$ نیست بلکه وی با علم به اینکه اقامه دعوی مسئولیت مدنی با مانع روبرو است، هزینه فعالیت خود را معادل wx قلمداد می‌کند و تلاش برای به حداقل رساندن این هزینه، سبب می‌شود میزان احتیاط به صفر برسد. در نتیجه در چنین حالتی سطح بهینه احتیاط رعایت نخواهد شد.

ثانیاً، در مدل احتیاط با ثابت فرض کردن میزان فعالیت، تنها بر تغییر سطح احتیاط و اتخاذ احتیاط بهینه تأکید می‌شود اما در یک مدل پیچیده‌تر از نگرش اقتصادی، عامل سطح فعالیت نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.^۳ در مدل اخیر بر این نکته تأکید می‌شود که کارایی اقتصادی مستلزم انتخاب سطحی از فعالیت است که تفاوت بین منفعت و هزینه اجتماعی ناشی از فعالیت را به

۱. Cooter Robert; Ulen, Thomas, Law & Economics, 6th ed, Boston: Addison-Wesley, 2012, p. 200.

۲. لازم به ذکر است استفاده از ریاضیات نشان می‌دهد شیب این نقطه از نمودار که بیانگر هزینه نهایی اجتماعی است، صفر و در نتیجه مجموع هزینه نهایی احتیاط و هزینه نهایی حادثه صفر است، بنابراین می‌توان گفت حداقل هزینه اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که هزینه نهایی احتیاط برابر با منفعت نهایی کاهش هزینه حادثه باشد.

(Posner, Richard A, Economic Analysis of Law, 6th ed, New York: ASPEN Publishers, 2003, p. 168).

۳. Cooter, Robert; Ulen, Thomas, op. cit, p. 211.

حداکثر ممکن برساند.^۱ به عبارت دیگر فعالیت باید تا جایی ادامه یابد که منفعت نهایی ناشی از آن برابر با هزینه نهایی اجتماعی شود. نگرش اقتصادی، این سطح از فعالیت با عنوان سطح بهینه فعالیت^۲ می‌شناسد و تلاش می‌کند قواعدی را که تأمین‌کننده این سطح از فعالیت‌اند، معرفی نماید.^۳ برای تعیین سطح بهینه فعالیت در نگرش اقتصادی نخست فرض می‌شود که هزینه اجتماعی حادثه که دارای ارتباط مستقیم با سطح فعالیت است، با درصد ثابتی نسبت به افزایش سطح فعالیت، افزایش خواهد یافت. به این معنا که با دو برابر شدن سطح فعالیت، هزینه مورد انتظار نیز دو برابر می‌شود. در مرحله دوم فرض می‌کنیم مطلوبیت عامل زیان با افزایش سطح فعالیت وی افزایش پیدا می‌کند.^۴

بنابراین اگر z سطح فعالیت و $b(z)$ منفعت ناشی از فعالیت را نشان دهد و $wx+p(x)A$ مبین هزینه اجتماعی باشد، هدف ما به حداکثر رساندن $b(z) - z[wx+p(x)A]$ است. این هدف را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. الف) انتخاب سطحی از احتیاط که موجب به حداقل رساندن هزینه اجتماعی شود. با توجه به اینکه فرض کردیم هزینه اجتماعی با درصد ثابتی نسبت به سطح فعالیت، افزایش می‌یابد بنابراین سطح بهینه احتیاط از سطح فعالیت تأثیر نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر عامل زیان هر بار که اقدام به فعالیت زیان‌بار می‌کند باید سطح بهینه احتیاط را اعمال نماید تا هزینه اجتماعی را به حداقل برساند. ب) با در نظر داشتن سطح بهینه احتیاط یا x^* ، سطحی از فعالیت انتخاب شود که $b(z) - z[w x^* + p(x^*)A]$ باشد.^۵

همان‌طور که گفته شد در حالتی که اقامه دعوا با مانع کلی روبرو باشد، عامل زیان‌انگیزه‌ای برای محاسبه هزینه مورد انتظار حادثه در هزینه فعالیت خود ندارد. در نتیجه در تنظیم سطح فعالیت خود می‌کوشد تا $b(z) - z[w x]$ را به حداکثر برساند. در این راستا نخست سطح احتیاط به صفر می‌رسد و به دنبال آن در تلاش برای به حداکثر رساندن $b(z) - 0$ به سمت سطوح افراطی فعالیت سوق می‌یابد.

۱. Shavell, Steven, Foundations of Economic Analysis of Law, op. cit, p. 193.

۲. Optimal level of activity.

۳. Schafer, Hans-Bernd; Ott, Claus, op. cit, p. 116.

۴. Shavell, Steven, Foundations of Economic Analysis of Law, op. cit, pp. 193, 194.

۵. Miceli, Thomas, op. cit, pp. 66, 67.

۲- معرفی و بررسی اقتصادی راهکارهای موجود در مواجهه با عدم قطعیت رابطه سببیت

در نظام حقوقی ایران بر این نکته تأکید شده که رابطه سببیت باید مسلم و یا دست کم متکی به ظنی باشد که عرف و عقل به آن اعتماد کنند.^۱ همین رویکرد به طور کلی در سایر کشورهای حقوق نوشته نیز وجود دارد. در این کشورها اثبات رابطه سببیت وابسته به افتاح شخصی دادرس است. به این معنا که رابطه سببیت باید در نظر دادرس مسلم و یا دارای احتمال بالا باشد تا خواننده مسئول قلمداد شود؛ اما در نقطه مقابل، کشورهای کامن لا غالباً رویکردی عینی نسبت به رابطه سببیت دارند و احتمال سببیت بالای پنجاه درصد را برای احراز این رابطه کافی می‌دانند.^۲ برای مثال در کشورهایی از جمله انگلستان، ایرلند، اسکاتلند، فنلاند و سوئد که از خانواده کامن لا محسوب می‌شوند، قاعده احتمال غالب^۳ در احراز رابطه سببیت پذیرفته شده است. به موجب قاعده مذکور اگر احتمال وجود سببیت بیش از عدم آن باشد، این رابطه محرز قلمداد می‌شود. در میان کشورهای حقوق نوشته، برخی مانند اتریش و آلمان احراز رابطه سببیت را مستلزم وجود احتمال بسیار بالا و نزدیک به قطعیت می‌دانند و در گروهی دیگر از جمله فرانسه، بلژیک، هلند و ایتالیا اگرچه خواهان باید اثبات کند که بروز خسارت در نتیجه فعل زیان‌بار خواننده بوده اما میزان احتمال لازم معین نشده است و در نتیجه دادگاه‌ها در احراز رابطه سببیت اختیار قابل توجهی دارند.^۴

پس از بیان این مقدمه باید گفت در بسیاری از خسارات زیست‌محیطی رابطه سببیت بین حادثه‌ای خاص و بروز خسارت تنها مبتنی بر احتمال است و فقدان قطعیت، احراز رابطه سببیت را با دشواری روبرو می‌کند.^۵ قانون‌گذاران کشورهای اروپایی با در نظر داشتن این نکته و

۱. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۴۴۰.

۲. Gilead, Israel; Green, Michael; Koch, Bernhard, "General Report, Causal Uncertainty and Proportional Liability, Analytical and Comparative Report", in Israel Gilean, Michael Grenn, Bernhard Koch (eds.), Tort and Insurance Law, vol. 33, Berlin: De Gruyter, 2013, p. 21.

۳. Preponderance of the evidence rule

۴. Hinteregger, Monika (ed.), Environmental Liability and Ecological Damage in European Law (The Common Core of European Private Law), UK: Cambridge University Press, 2008, p. 348.

۵. Faure, Michael, "Environmental Liability", op. cit, p. 257.

دشواری اثبات رابطه سببیت توسط خواهان، به استفاده از ابزارهایی برای تسهیل این تکلیف، گرایش یافته‌اند.

اگرچه در آن دسته از نظام‌های حقوقی مانند انگلستان، فنلاند، اسکاتلند و ایرلند که با پذیرش قاعده احتمال غالب، سطح پایین‌تری از احتمال برای محرز دانستن رابطه سببیت کافی محسوب می‌شود؛ مقرره‌ای در این راستا به چشم نمی‌خورد اما سایر نظام‌های حقوقی که اثبات رابطه سببیت را مستلزم وجود احتمال بسیار بالا و نزدیک به قطعیت می‌دانند، راهکارهایی برای تسهیل اثبات این رابطه اتخاذ کرده‌اند.^۱

در برخی از این نظام‌ها، اماره سببیت برای خسارات زیست‌محیطی خاصی پیش‌بینی شده است. در اتریش این اماره در خصوص خسارات وارد به منابع آبی، جنگل‌ها و نیز خسارات ناشی از فعالیت‌ها و تأسیسات خطرناک مانند معادن، نیروگاه‌های هسته‌ای و محصولات تراریخته وجود دارد. با این تفصیل که اماره سببیت در خصوص خسارات وارد به منابع آبی، جنگل‌ها و نیز خسارات ناشی از معادن، قوی است و تنها در صورت اثبات خلاف آن، خواننده از مسئولیت معاف می‌گردد اما این قوت در مورد اماره سببیت در خسارات ناشی از نیروگاه‌های هسته‌ای و محصولات تراریخته وجود ندارد و اگر خواننده ثابت کند که احتمال دارد خسارت تنها ناشی از اقدام او نباشد، از مسئولیت معاف خواهد شد. در آلمان ماده ۶ قانون مسئولیت زیست‌محیطی ۱۹۹۰ فرض مشابهی را مقرر کرده است.^۲ مطابق ماده مذکور، خواهان مکلف به اثبات رابطه سببیت نیست بلکه کافی است با استناد به معیارهای مقرر در بند نخست این ماده، نشان دهد که احتمال بروز خسارت در نتیجه فعل زیان‌بار موردنظر وجود دارد. در اینصورت سببیت محرز قلمداد می‌شود اما خواننده می‌تواند با اثبات یکی از موارد مقرر در ماده ۷ این قانون، از جمله اثبات احتمال بروز خسارت در نتیجه عاملی دیگر^۳، از مسئولیت معاف شود. نهایتاً

۱. Hinteregger, Monika, op. cit, p. 350.

۲. § 6(1) of UmweltGH (Environmental Liability Act 1990): If a facility is inherently suited, on the facts of the particular case, to cause the damage that occurred, then it shall be presumed that this facility caused the damage. Inherent suitedness in a particular case is determined on the basis of the course of business, the structures used, the nature and concentration of the materials used and released, the weather conditions, the time and place at which the damage occurred, the nature of the damage, as well as all other conditions which speak for or against causation of the damage in the particular case.

۳. § 7 of UmweltGH (Environmental Liability Act 1990):

(1) If multiple facilities are inherently suited to cause the damage, then the presumption

در فرانسه مقرر صریحی در جهت تسهیل تکلیف مذکور وجود ندارد.^۱ اما برخی نویسندگان با مطالعه آراء صادره از دادگاه‌های فرانسه به این نتیجه رسیده‌اند که در موارد عدم قطعیت رابطه سببیت، قضات با تکیه بر اطلاعات و مقررات انتظامی، رویکرد احتمالی^۲ به سببیت را می‌پذیرند. مقصود از «تکیه بر اطلاعات و مقررات» این است که دادگاه‌ها در مواردی که خواننده دعوا، مقررات انتظامی مربوط به فعالیت خود را رعایت نکرده باشد، استنباط می‌کنند که وی با عدم تبعیت از مقررات احتمال بروز خسارت را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. مراد از «پذیرش رویکرد احتمالی به سببیت» این است که قضات افزایش احتمال بروز خسارت که ناشی از نقض مقررات است را مثبت رابطه سببیت می‌دانند. در اثبات این نظر، با بررسی آماری آراء صادره در فرانسه، نشان داده شده در مواردی که خواننده از مقررات انتظامی تبعیت نکرده، شانسی زیان‌دیده برای پیروزی در دعوا ۵۱ درصد افزایش می‌یابد. منطق آمار مذکور این است که دادگاه‌ها معتقدند شمول مقررات انتظامی نسبت به فعالیت خاص به این معناست که این فعالیت ماهیتاً توان ایراد خسارت به محیط زیست را دارد و در نتیجه قضات نقض مقررات مذکور را به منزله افزایش احتمال بروز خسارت در نتیجه فعالیت خواننده می‌دانند؛ بنابراین دادگاه‌های فرانسه از مفهوم نقض مقررات انتظامی به عنوان شیوه‌ای برای مقابله با مشکل عدم قطعیت رابطه سببیت در خسارات زیست‌محیطی استفاده می‌کنند.^۳

پذیرش این رویکرد احتمالی به رابطه سببیت را می‌توان دومین ابزار برای مقابله با عدم قطعیت رابطه سببیت دانست که در اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته برای مثال ماده ۱۰ کنوانسیون لوگانو ۱۹۹۳ مقرر می‌کند قضات در بررسی رابطه سببیت بین حوادث یا فعالیت‌های

shall not apply if another circumstance is, on the facts of the particular case, inherently suited to cause the damage. Inherent suitedness in a particular case is determined on the basis of the time and place at which the damage occurred, the nature of the damage, as well as all other conditions which speak for or against causation of the damage.

(2) If only one facility is inherently suited to cause the damage, then the presumption shall not apply if another circumstance is, on the facts of the particular case, inherently suited to cause the damage.

۱. Id.

۲. Probabilistic approach.

۳. Bentata, Pierre; Faure, Michael, "The Role of Environmental Civil Liability: An Economic Analysis of the French Legal System", *Environmental Liability, Law, Policy and Practice*, vol. 4, 2012, p. 8.

خطرناک مقرر در این کنوانسیون و خسارت زیست‌محیطی، باید به افزایش احتمال بروز خسارت که ناشی از ماهیت فعالیت خطرناک است توجه داشته باشند. این ماده درصدد ایجاد اماره رابطه سببیت نیست بلکه به موجب ماده مذکور قضاوت می‌تواند در ارزیابی رابطه سببیت، بر پایه احتمالات یا میزان خطرناک بودن فعالیت موردنظر استدلال نمایند.^۱ به بیان دیگر در مقدمه کنوانسیون لوگانو ضرورت تسهیل اثبات رابطه سببیت شناسایی شده و در این راستا ماده ۱۰ این کنوانسیون به قضاوت اجازه می‌دهد در احراز رابطه سببیت به میزان احتمال توجه کنند و در نتیجه از معیار معمول احراز رابطه سببیت در نظام‌های حقوق نوشته یعنی مسلم بودن این رابطه عدول می‌نماید.

حال این پرسش قابل طرح است که آیا نگرش اقتصادی این دو ابزار را تأیید می‌کند یا خیر. در خصوص جابه‌جایی بار اثبات رابطه سببیت، گفته شده در خسارات زیست‌محیطی غالباً عامل زیان توان اثبات اینکه عمل او هیچ تأثیری بر ایجاد ضرر نداشته را ندارد و در نتیجه با توجه به رویکرد سنتی که مبتنی بر قاعده «همه یا هیچ»^۲ است، در غالب موارد عامل زیان مکلف به جبران تمام خسارت می‌شود. این در حالی است که بخشی از این خسارت نمی‌توانسته ناشی از عمل وی باشد و به همین دلیل کارایی موردنیاز مسئولیت مدنی تأمین نمی‌شود.^۳ زیرا: اگر احتمال سببیت

۱. Thunis, Xavier, "Fonction et Fondement de la Responsabilité en Matière Environnementale, Rapport belge", in B. Dubuisson et G. Viney (eds.), *Les Responsabilités Civiles Environnementales dans l'Espace Européen*, Point de Vue Franco-belge, Bruxelles : Bruylant, LGDJ, 2006, p. 36.

۲. All or nothing criterion.

با وجود تفاوت معیار احراز رابطه سببیت در نظام‌های کامن‌لا و حقوق نوشته، رویکرد سنتی در هر دوی این نظام‌ها مبتنی بر معیار «همه یا هیچ» است. به این معنا که یا مسئولیت متوجه جبران تمام خسارت وارده به زیان‌دیده است و یا هیچ مسئولیتی وجود ندارد. اعمال این معیار از طریق تعیین حدنصاب برای احتمال رابطه سببیت، انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر اگر احتمال بروز خسارت از حد معینی فراتر رود، رابطه سببیت قطعی محسوب می‌شود و خواننده مسئول جبران تمام خسارت خواهد بود و در صورتی که احتمال بروز خسارت به حد مذکور نرسد، هیچ نوع مسئولیتی متوجه خواننده نیست. اگرچه شیوه مرسوم در تعیین این حدنصاب را می‌توان اعمال قاعده احتمال غالب دانست که حدنصاب ۵۰ درصد را می‌پذیرد اما از لحاظ نظری حدنصاب مذکور را می‌توان به هر میزان تعیین کرد و در نتیجه می‌توان گفت آن دسته از نظام‌های حقوق نوشته نیز که اثبات رابطه سببیت را مستلزم «فقدان هر نوع تردید معقول» می‌دانند، نوعی حدنصاب را پیش‌بینی کرده‌اند.

(Ben-Shahar, Omri, "Causation and Foreseeability", in Michael Faure (ed.), *Tort Law and Economics (Encyclopedia of Law and Economics, Vol. 1)*, Cheltenham: Edward Elgar, 2009. P. 91.)

۳. Faure, Michael, "Regulatory Strategies in environmental Liability", op. cit, pp. 153; Bentata, Pierre; Faure, Michael, op. cit, p. 9.

عامل زیان $p(x)$ احتمال سببیت عوامل محیطی q ، هزینه احتیاط w و میزان خسارت زیان دیده در فرض وقوع زیان A باشد، هدف اجتماعی این است که هزینه اجتماعی یا $w+[p(x)+q]A$ به حداقل ممکن برسد. در فرض جابجایی بار اثبات چون عامل زیان مکلف به جبران تمام خسارت است لذا هزینه فعالیت برای وی $w+p(x)A+qA$ است که معادل هزینه اجتماعی حادثه است و تلاش وی برای به حداقل رساندن آن سبب به حداقل رسیدن هزینه اجتماعی حادثه خواهد شد. به علاوه باید توجه داشت که در این عبارت مقدار qA ثابت است، به همین دلیل نقطه کمینه x مشابه وضعیتی است که مسئله عدم قطعیت رابطه سببیت مطرح نبوده و هزینه فعالیت عامل زیان $w+p(x)A$ باشد. به عبارت دیگر تغییر بار اثبات تفاوتی در سطح بهینه احتیاط و رعایت آن ایجاد نمی کند اما به واسطه اینکه سبب می شود عامل زیان به صورت بالقوه مکلف به جبران خساراتی باشد که ناشی از فعل او نیست؛ می تواند سطح فعالیت عامل زیان را به میزانی کمتر از سطح بهینه فعالیت سوق دهد.^۱

در خصوص استفاده از رویکرد احتمالی به رابطه سببیت نیز گفته شده که باعث فاصله گرفتن میزان احتیاط عامل زیان از سطح بهینه احتیاط می شود؛ یعنی در مواردی که احتمال سببیت نوعاً کمتر از حد نصاب مورد نظر سیستم قضایی باشد، عامل زیان مسئولیتی نخواهد داشت و با در نظر گرفتن این نکته هزینه مورد انتظار وی کمتر از هزینه اجتماعی است و احتیاطی کمتر از سطح بهینه اتخاذ می کند. در نقطه مقابل اگر احتمال وقوع حادثه نوعاً بیش از حد نصاب مذکور باشد، عامل زیان انگیزه افزایش سطح احتیاط خود به میزانی بیش از سطح بهینه را دارد تا به این ترتیب احتمال سببیت را کاهش دهد و به کلی از مسئولیت معاف شود. به عبارت دیگر در این حالت هزینه مورد انتظار عامل زیان از وقوع حادثه بیش از هزینه اجتماعی حادثه است، در نتیجه سطح احتیاط وی نیز بیش از سطح بهینه احتیاط خواهد بود.^۲ البته وضعیت اخیر در صورت وجود نظام مسئولیت مبتنی بر تقصیر بروز نخواهد کرد؛ زیرا اگر سطح متعارف احتیاط مطابق سطح بهینه آن تعریف شود؛ عامل زیان با اتخاذ این سطح از احتیاط مقصر محسوب نمی شود و از مسئولیت معاف خواهد شد. در نتیجه وی انگیزه ای برای افزایش احتیاط خود به بیش از میزان مذکور ندارد. علاوه بر سطح احتیاط، در فرض وجود رویکرد احتمالی به سببیت میزان فعالیت نیز بر سطح بهینه فعالیت منطبق نخواهد شد؛ زیرا در مواردی که احتمال سببیت نوعاً کمتر از

۱. Miceli, Thomas, op. cit, pp. 64, 65; Ben-Shahar, Omri, op. cit, pp. 87, 88.

۲. Shavell, Steven, Foundations of Economic Analysis of Law, op. cit, p. 255.

حدنصاب است، عامل زیان با در نظر داشتن معافیت از مسئولیت، سطوح افراطی فعالیت را انتخاب می‌کند و در فرض عکس، سطح فعالیت ممکن است کمتر از سطح بهینه آن باشد.^۱ ابزار سومی که در مواجهه با عدم قطعیت رابطه سببیت مورد پذیرش برخی کشورها قرار گرفته استفاده از مسئولیت نسبی^۲ است که بر مبنای احتمال سببیت تنها جبران بخشی از خسارات وارده به خواهان را بر عهده عامل زیان احتمالی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر با به کارگیری مسئولیت نسبی، اولاً در هر جا که احتمال مثبتی در خصوص رابطه سببیت وجود داشته باشد، مسئولیت به عامل زیان تحمیل می‌شود. ثانیاً میزان مسئولیت به نسبت احتمال بروز خسارت تعیین خواهد شد تا به این ترتیب عدم قطعیت رابطه سببیت نیز مورد توجه قرار گرفته باشد.^۳

جبران خسارت با استفاده از نظریه از دست دادن فرصت^۴ و مسئولیت مبتنی بر سهم بازار^۵ که با ضرب میزان خسارت در احتمال سببیت، مسئولیت عامل زیان را تعیین می‌کند؛ مصادیقی از پذیرش این رویکرد در نظام‌های حقوقی است.^۶ به علاوه اصول اروپایی مسئولیت مدنی^۷ به عنوان یکی از اسناد پیشرو در زمینه پذیرش مسئولیت نسبی در ماده ۱۰۶:۳ با وضع قاعده‌ای عام این نوع از مسئولیت را تجویز می‌کند. در این ماده مقرر شده اگر احتمال داشته باشد خسارت ناشی از فعالیت، حادث و یا شرایطی باشد که مربوط به خود زیان دیده است، بر مبنای

۱. Ben-Shahar, Omri, op.cit, pp. 94, 95.

۲. Proportional Liability.

۳. Ibid, pp. 91, 92.

۴. Loss of chance.

نظریه از دست دادن فرصت ناظر به فروضی است که شخص امکان تحصیل منفعتی در آینده را دارد و یا فردی که در معرض وقوع زیان قرار گرفته است، فرصت جلوگیری و یا کاهش آثار آن زیان را دارد اما در اثر تقصیر دیگری این فرصت از بین می‌رود. یکی از روش‌های مرسوم جبران خسارت در این نظریه، توجه به احتمال تحقق فرصت است. (ر.ک کاظمی، محمود، «نظریه از دست دادن فرصت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۳، پاییز، ۱۳۸۰، صص ۲۱۲-۲۱۵).

۵. Market share liability.

مسئولیت مبتنی بر سهم بازار به این معنا است که اگر از فعالیت چند تولیدکننده خسارتی ایجاد شود و عامل خسارت معین نباشد، هر یک به میزان سهم خود از بازار که مبین احتمال سببیت است، مسئول جبران خسارت هستند.

۶. Oliphant, Ken, "causation in Cases of Evidential Uncertainty: Judicial Techniques and Fundamental Issues", Chicago-Kent law Review, Vol. 91, Issue 2, 2016, p. 590.

۷. Principles of European Tort law (PETL).

۸. Art. 3:106 PETL: The victim has to bear his loss to the extent corresponding to the likelihood that it may have been caused by an activity, occurrence or other circumstance within his own sphere.

میزان این احتمال، زیان دیده باید بخشی از خسارت را تحمل نماید.^۱

از لحاظ عملی نیز مواردی از پذیرش این رویکرد در مواجهه با عدم قطعیت رابطه سببیت در برخی پرونده‌های زیست محیطی در سطح کشورهای اروپایی مشاهده می‌شود. از جمله می‌توان به آراء صادره در بخشی از پرونده‌های پنبه نسوز^۲ اشاره کرد. در این پرونده‌ها خواهان در محل کار خود در معرض استنشاق ذرات پنبه نسوز قرار داشته و پس از گذشت مدت زمانی مبتلابه سرطان ریه می‌شود اما قادر به اثبات سببیت بین استنشاق این ذرات و ابتلا به سرطان نیست؛ زیرا رابطه مذکور نه قطعی بلکه مبتنی بر احتمال است و در کنار آن، احتمال سببیت عوامل محیطی دیگری مانند سیگار کشیدن نیز در بروز این بیماری وجود دارد.

اگرچه در فرانسه با تأسیس صندوق جبران خسارات زیان دیدگان پنبه نسوز^۳ در سال ۲۰۰۰، خسارات وارده به قربانیان این ماده معدنی بدون جبران باقی نمی‌ماند و در نتیجه بحث از مسئولیت نسبی بی‌پاسخ باقی مانده است^۴ اما می‌توان گفت نظام حقوقی هلند مسئولیت نسبی را در این دسته از پرونده‌ها به رسمیت شناخته و نقطه آغاز پذیرش مسئولیت نسبی بر اساس احتمال سببیت در پرونده‌های مذکور، پرونده شایر علیه دوشلد^۵ ۱۹۹۹ است. در این پرونده، شایر از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۸ در شرکت کشتی‌سازی دوشلد کار می‌کرد و در معرض استنشاق ذرات پنبه نسوز مورد استفاده در این شرکت قرار داشت. در سال ۱۹۹۱ پزشکان ابتلای وی به سرطان ریه را تشخیص دادند. این سرطان می‌توانست ناشی از ذرات استنشاق شده پنبه نسوز باشد اما این احتمال نیز وجود داشت که عوامل دیگری مانند سیگار کشیدن بلندمدت شایر موجب بروز سرطان شده باشد. بر اساس نظرات کارشناسی این پرونده، تعیین قطعی سبب بروز سرطان و تفکیک بین موارد ابتلای به سرطان در نتیجه سیگار و موارد ناشی از ذرات پنبه نسوز وجود ندارد اما با در نظر گرفتن سابقه کاری شایر و میزان استفاده از پنبه نسوز در محل کار وی، احتمال بروز سرطان شایر در نتیجه استنشاق ذرات پنبه نسوز ۲۶ درصد است. دادگاه میدلبرگ در ۱۹۹۹ با

۱. Gilead, Israel et al, op. cit, pp. 6, 31.

۲. Asbestos-related cases.

۳. Law no. 2000-1257 of 23 December 2000, Art. 53, Les fonds d'indemnisation des victimes de l'amiante (FIVA).

۴. Moréteau, Olivier, "France: French Tort Law in the Light of European Harmonization", Journal of Civil Law Studies, Vol. 6, Issue 2, 2013, p. 796.

۵. Schaiër vs. De Schelde case, 1999.

تکیه بر نظرات کارشناسی، دوشلد را به پرداخت ۲۶ درصد از کل خسارت که برابر با احتمال سببیت وی بود، محکوم نمود.^۱

پرونده کاراموس علیه نفالیت ۲۰۰۶ که یکی از پرونده‌های مهم هلند محسوب می‌شود نیز در ارتباط با تأثیر احتمالی پنبه نسوز بر ابتلا به سرطان ریه است. جهات موضوعی این پرونده مشابه پرونده شایر علیه دوشلد است. در این پرونده کاراموس در فاصله سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹ در کارخانه نفالیت که از پنبه نسوز استفاده می‌کرد، اشتغال داشت. وی در سال ۱۹۹۷ مبتلابه سرطان ریه شد و در سال ۲۰۰۰ فوت کرد. اگرچه اثبات شد که قرار گرفتن در معرض ذرات پنبه نسوز می‌تواند موجب بروز سرطان ریه شود اما این امر، احتمال بروز سرطان در نتیجه استفاده از سیگار، شرایط محیطی، استعداد ژنتیکی یا افزایش سن را نفی نمی‌کرد و به همین دلیل کاراموس نمی‌توانست رابطه سببیت بین استفاده از پنبه نسوز و ابتلای به سرطان را به صورت قطعی اثبات نماید. نفالیت با این استدلال که احتمال بروز سرطان در نتیجه سایر عوامل به‌ویژه سیگار کشیدن خواهان، قابل توجه است؛ قطعیت رابطه سببیت بین استنشاق ذرات پنبه نسوز و بروز سرطان را نفی می‌کرد و مسئولیت مدنی را محقق نمی‌دانست. از سوی دیگر علم پزشکی نمی‌توانست با قطعیت تعیین کند که آیا سرطان کاراموس در نتیجه استفاده از پنبه نسوز بروز کرده است یا ناشی از سایر عواملی است که ارتباطی با کارفرما یعنی نفالیت ندارد؛ اما بررسی‌های اپیدمیولوژی مرتبط با علل بروز بیماری، نشان می‌داد که احتمال بروز بیماری در نتیجه استنشاق ذرات پنبه نسوز ۵۵ درصد است. بر این مبنای دادگاه تجدیدنظر هلند با تأیید رای دادگاه بدوی در مسئول شناختن نفالیت، ۵۵ درصد از کل خسارت را بر عهده نفالیت قرار داد. این دادگاه در واقع از رویکرد سنتی «همه‌یا هیچ» صرف‌نظر کرد و جبران خسارت به میزان احتمال سببیت و به صورت نسبی را پذیرفت. دیوان عالی این کشور نیز رای دادگاه تجدیدنظر را ابرام نمود.^۳

در بررسی اقتصادی مسئولیت نسبی گفته شده این نوع از مسئولیت موجب اتخاذ سطح بهینه احتیاط می‌شود: در این حالت هزینه مورد انتظار عامل زیان از حادثه برابر است با احتمال وقوع

۱. Sobczak, Faro, op. cit, p. 111.

۲. Karamus vs. Nefalit case, 2006.

۳. Ibid, pp. 112, 113.

حادثه ضرب در میزان مسئولیت نسبی. به عبارت دیگر اگر احتمال سببیت عامل زیان با $p(x)$ ، احتمال سببیت عوامل محیطی با q و میزان خسارت زیان دیده در فرض وقوع زیان با A نشان داده شود، هزینه مورد انتظار عامل زیان عبارت است از $A \times \frac{p(x)}{p(x)+q}$. حال هزینه فعالیت یعنی جمع هزینه احتیاط یا w و هزینه مورد انتظار وی از حادثه را می توان به صورت A $\times \frac{p(x)}{p(x)+q} + w$ نشان داد. ساده کردن این عبارت نشان می دهد که هزینه فعالیت برای عامل زیان عبارت است از $A + w$ و همان طور که در بحث از جابجایی بار اثبات توضیح داده شد، روشن است که تلاش برای به حداقل رساندن این هزینه به معنای اتخاذ سطح بهینه احتیاط است.^۱

علاوه بر این، با توجه به اینکه هزینه فعالیت مشابه وضعیتی است که عدم قطعیتی در رابطه سببیت وجود نداشته؛ مسئولیت نسبی به عامل زیان انگیزه رعایت سطح بهینه فعالیت را نیز خواهد داد.^۲

با این حال باید توجه داشت مسئولیت نسبی ممکن است منجر به افزایش تعداد دعاوی، پیچیدگی آن ها و هزینه اداره دعاوی گردد؛ زیرا این نوع مسئولیت سبب می شود در هر مورد که احتمال مثبت سببیت فردی در ایجاد زیان وجود دارد، علیه وی به عنوان عامل زیان اقامه دعوا گردد؛ بنابراین فقط در مواردی باید از این نهاد استفاده کرد که ایجاد انگیزه در عامل زیان حائز اهمیت قابل توجه باشد.^۳

۳- معرفی و بررسی اقتصادی راهکارهای موجود در مواجهه با مجمل بودن عامل زیان
گفته شد در برخی موارد به اجمال معلوم است که یکی از چند علت محاط در گروهی محدود و معین، زیان را ایجاد کرده است اما نمی توان به طور قاطع علت وقوع حادثه را معین کرد و این امر سبب می شود اثبات رابطه سببیت با مشکل روبرو شود. در فرض مجمل بودن عامل زیان، نخستین راهکاری که به ذهن می رسد این است که چون رابطه علیت بین فعل هیچ کدام از عاملان احتمالی زیان و خسارت احراز نشده است، مسئولیتی مستقر نمی شود؛ اما این

۱. Miceli, Thomas, op. cit, p. 65.

۲. Ben-Sahar, Omri, op. cit, p. 95.

۳. Shavell, Steven, Foundations of Economic Analysis of Law, op. cit, p. 256.

پاسخ به دلیل وجود علم اجمالی مذکور، عادلانه به نظر نمی‌رسد.^۱ با در نظر داشتن این نکته غالب نظام‌های حقوقی در فرض مجمل بودن عامل زیان، می‌کوشند با به کارگیری استدلال‌های خاص، مسئولیت تمام عاملان احتمالی زیان به رسمیت شناخته شود.^۲ در این راستا در بین کشورهای اروپایی دو راهکار پذیرفته شده وجود دارد:

غالب نظام‌های حقوقی، مسئولیت تضامنی و برخی از آن‌ها مسئولیت نسبی را در این موارد قابل اعمال می‌دانند.^۳ برای مثال رویه قضایی فرانسه به طرق مختلف (از جمله در نظر گرفتن تقصیر گروهی، تکلیف گروهی به محافظت از شی منشأ زیان، تقصیر در مراقبت، شخصیت حقوقی گروه عاملان احتمالی زیان و یا ایجاد اماره سببیت) سعی در توجیه و پذیرش مسئولیت تضامنی برای عاملان احتمالی زیان دارند.^۴ به همین ترتیب قانون‌گذار هلند نیز در ماده ۶:۹۹ قانون مدنی، مسئولیت تضامنی را در فرض سبب مجمل مورد پذیرش قرار می‌دهد.^۵ به موجب این ماده، در مواردی که خسارت می‌تواند ناشی از دو یا چند فعل زیان‌بار باشد و در عین حال، محرز است که دست کم یکی از این افعال سبب خسارت شده؛ تکلیف جبران تمام خسارت بر عهده هر یک از عاملان زیان قرار می‌گیرد مگر اینکه بتواند اثبات نماید خسارت ناشی از فعل وی نبوده است.^۶

در نقطه مقابل نظام حقوقی انگلستان در مواجهه با سبب مجمل، گاه حکم به مسئولیت تضامنی و گاه حکم به مسئولیت نسبی می‌نماید. برای مثال در پرونده فیرچایلد علیه گلنهاون^۷، خواهان به دلیل استنشاق ذرات پنبه نسوز مبتلا به بیماری مسوتلیوما شده بود. از یکسو همان‌طور که گفته شد، تنها سبب شناخته شده برای بروز این بیماری، همین ذرات هستند و در نتیجه احتمال

۱. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۴۴۳.

۲. Oliphant, Ken, op. cit, p. 593.

۳. Gilead, Israel et al, op. cit, p. 23.

۴. محسنی، حسن؛ مرادی‌نژاد، رضا، «مطالعه تطبیقی راهکارهای جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۱، ۱۳۸۹، صص ۲۹۹-۳۰۰، ۳۰۳-۳۰۴.

۵. Hinteregger, Monika (ed.), op. cit., p. 405.

۶. Art. 6:99 BW: 'Where the damage may have resulted from two or more events for each of which a different person is liable, and where it has been determined that the damage has arisen from at least one of these events, the obligation to repair the damage rest upon each of these persons, unless he proves that the damage is not the result of the event for which he himself is liable.'

۷. Fairchild vs. Glenhaven Funeral Services Ltd. (2002).

دخالت سایر عوامل مانند سیگار کشیدن در این بیماری، منتفی است. از سوی دیگر اگرچه خواهان در دو مورد از محیط‌های کاری خود در معرض این ذرات قرار داشته اما تعیین اینکه ذرات موجب بیماری در کدام محیط وارد بدن وی شده است، وجود نداشت، بنابراین اثبات رابطه سببیت به دلیل مجمل بودن عامل زیان با دشواری روبرو بود. در این پرونده مجلس لردان با گسترش مفهوم سببیت، پذیرفت که نقض تکلیف از سوی کارفرمایان به معنای مشارکت مادی^۱ آن‌ها در بروز مسوتلیوما است و در نتیجه کارفرمایان را مکلف به جبران تمام خسارت وارده بر زیان دیده دانست. پس از آن دادگاه‌های بدوی از رای مجلس لردان در پرونده فیرچایلند، به عنوان مبنای پذیرش مسئولیت تضامنی در پرونده‌های سبب مجمل بروز مسوتلیوما، استفاده کردند. این رویه تا سال ۲۰۰۶ یعنی زمانی که پرونده مشابهی مجدداً در مجلس لردان مطرح شد، ادامه یافت. در پرونده بارکر علیه کورس^۲ مانند پرونده فیرچایلند خواهانی که مبتلا به بیماری مسوتلیوما شده، در دو محیط کاری در معرض ذرات پنبه نسوز قرار داشته است با این تفاوت که بارکر خارج از محیط کار نیز خود را در معرض خطر این ذرات قرار داده بود. در این پرونده مجلس لردان به این نکته توجه کرد که قاعده سنتی مسئولیت تضامنی در مواردی که برخی از عاملان احتمالی زیان ورشکسته باشند، ناعادلانه است؛ زیرا سبب می‌شود زیان دیده تمام خسارت خود را از عاملی که ورشکسته نیست دریافت کند و سپس این عامل زیان امکان مراجعه به اشخاص ورشکسته را نخواهد داشت و در نتیجه ناچار به تحمل خسارتی بیش از میزان مشارکت مادی خود در بروز زیان خواهد شد. در نتیجه مجلس لردان در این پرونده حکم به مسئولیت نسبی داد. به موجب این حکم هر یک از عاملان زیان به نسبت میزان مشارکت خود در ایجاد خطر، باید بخشی از خسارت وارد به خواهان را جبران نمایند؛ اما این حکم مورد پذیرش پارلمان انگلستان قرار نگرفت و در قانون جبران خسارت مصوب ۲۰۰۶^۳، در خصوص سبب

۱. Material contribution.

یکی از موارد کاربرد نظریه مشارکت مادی در حقوق انگلستان برای مواجهه با سبب مجمل است و به موجب آن اگر فعل زیان‌بار مشارکت مادی در صدمه زیان دیده داشته باشد، وی استحقاق دریافت خسارت را حتی در صورت عدم اثبات سبب اصلی خواهد داشت. (محسنی، حسن؛ مرادی‌نژاد، رضا، پیشین، ص ۳۰۲).

۲. Barker vs. Corus (2006).

۳. Compensation Act, 2006, part 1, sec. 3:

(1) This section applies where—

(a) a person (“the responsible person”) has negligently or in breach of statutory duty caused or permitted another person (“the victim”) to be exposed to asbestos, (b) the

مجمعل در پرونده‌های مسوتلیوما، مجدداً مسوتلیوت تضامنی احیا شد. زیرا این عقیده وجود داشت که اتخاذ مسوتلیوت مشترک و نسبی سبب می‌شود زیان‌دیده‌ای که با برخی عاملان زیان ورشکسته مواجه می‌شود، از دریافت بخشی از خسارت خود بازماند و خود ناچار به تحمل آن بخش باشد. باین حال حکم مذکور کماکان در سایر پرونده‌های مرتبط با خسارت بدنی امکان اعمال دارد.^۱

اصول اروپایی مسوتلیوت مدنی نیز در بند یک از ماده ۱۰۳:۳، به صراحت مسوتلیوت نسبی را در فرض مجمل بودن عامل زیان به رسمیت می‌شناسد. به موجب این ماده در مواردی که با افعال زیان‌بار متعددی روبرو هستیم که هر یک به تنهایی برای ایجاد خسارت کافی است اما تعیین عامل واقعی بروز زیان امکان ندارد، هر یک از عاملان زیان به نسبت احتمال مداخله در ایجاد خسارت، مسول جبران آن خواهند بود.^۲

در قوانین ایران، مسئله سبب مجمل به طور کلی مورد حکم قرار نگرفته است و قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۴۷۷ به بعد، تنها حکم سبب مجمل در خسارات بدنی را تعیین کرده است. در دکترین حقوقی ایران، برخی اساتید مسوتلیوت تضامنی اسباب مجمل را به ویژه اگر فعالیت گروهی که واردکننده زیان یکی از آنهاست، تقصیر جمعی باشد، تقویت می‌کنند و معتقدند گاه ضرورت تضمین حق مورد حمایت ایجاد می‌کند اشخاص متعددی ولو اینکه سبب حادثه نبوده باشند، به صورت جمعی مسول جبران خسارت ناشی از آن شوند.^۳

victim has contracted mesothelioma as a result of exposure to asbestos, (c) because of the nature of mesothelioma and the state of medical science, it is not possible to determine with certainty whether it was the exposure mentioned in paragraph (a) or another exposure which caused the victim to become ill, and (d) the responsible person is liable in tort, by virtue of the exposure mentioned in paragraph (a), in connection with damage caused to the victim by the disease (whether by reason of having materially increased a risk or for any other reason). (emphasis added)

(2) The responsible person shall be liable—

(a) in respect of the whole of the damage caused to the victim by the disease (irrespective of whether the victim was also exposed to asbestos— (i) other than by the responsible person, whether or not in circumstances in which another person has liability in tort, or (ii) by the responsible person in circumstances in which he has no liability in tort), and (b) jointly and severally with any other responsible person. (emphasis added)

71. Sobczak, Faro, op. cit. pp. 100-105.

۲. Art. 3:103 (1): In case of multiple activities, where each of them alone would have been sufficient to cause the damage, but it remains uncertain which one in fact caused it, each activity is regarded as a cause to the extent corresponding to the likelihood that it may have caused the victim's damage.

۳. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۴۴۸.

نظر برخی دیگر راه حل نهایی از لحاظ فقهی، تمسک به ولایت حاکم شرع است. به این معنا که اگر قاضی نتواند خواندگان را به مصالحه دعوت کند، می‌تواند در اجرای حکم لزوم جبران خسارت، حکم به توزیع خسارت‌های وارد شده نماید. در اینصورت توصیه شده که قاضی برای جلوگیری از هرج و مرج و به منظور فصل خصومت، با فرض مسئولیت مشترک برای خواندگان، هر یک را مسئول جبران نسبتی مساوی از خسارت قلمداد نماید.^۱ همسو با نظر اخیر، گفته شده با اخذ وحدت ملاک از ماده ۴۷۷ قانون جدید مجازات اسلامی، می‌توان به این نتیجه رسید که قاعده کلی در موارد علم اجمالی، تقسیم مسئولیت به تساوی است و سایر قواعد جنبه استثنائی دارد.^۲ برخلاف نظر اخیر که مبتنی بر مسئولیت مشترک و مساوی است، گروهی از نویسندگان بهترین راهکار را پذیرش مسئولیت مشترک به نسبت میزان ایجاد خطر، می‌دانند و معتقدند این راهکار موجب می‌شود تعادلی میان حقوق زیان‌دیده و واردکنندگان احتمالی زیان ایجاد شود.^۳ حال سوال این است که نگرش اقتصادی کدام یک از این دو ابزار یعنی مسئولیت تضامنی و یا مسئولیت مشترک و نسبی را تأیید می‌نماید.

در پاسخ به این سوال بین دو فرض تفکیک شده است:

الف) هیچ یک از عاملان احتمالی زیان ورشکسته نیستند: در این فرض، استفاده از مسئولیت تضامنی از حیث تخصیص نهایی ضرر، تفاوتی با مسئولیت نسبی نخواهد داشت؛ زیرا هیچ یک از عاملان زیان ورشکسته نیستند و در نتیجه شخصی که خسارت وارد بر زیان‌دیده را جبران کرده، می‌تواند به سایر عاملان احتمالی زیان مراجعه کند و بخشی از خسارت پرداختی را که معادل میزان مشارکت هر یک در ایجاد خطر است؛ دریافت نماید. به این ترتیب میزان مسئولیت وی در نهایت به میزان مشارکت وی در خطر محدود می‌شود و از این جهت تفاوتی بین مسئولیت تضامنی و مسئولیت نسبی وجود نخواهد داشت. از نقطه نظر اقتصادی برای اینکه مسئولیت تضامنی به بهترین نحو ممکن انگیزه احتیاط را فراهم کند، مسئولیت هر یک از عاملان زیان باید مطابق با میزان مشارکت آن‌ها در ایجاد خطر باشد. با این حال مبنای نظام مسئولیت نیز بر انگیزه

۱. صفری، محسن، «مسئولیت مدنی سبب مجمل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۹، ۱۳۷۹، ص ۷۹.

۲. صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌اله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ هشتم، تهران، سمت، ۱۳۹۴، ص ۲۲۲.

۳. محسنی، حسن؛ مرادی‌نژاد، رضا، پیشین، ص ۳۱۵.

احتیاط در این فرض تأثیرگذار است. در فرض وجود نظام مسئولیت محض، چون میزان مسئولیت هر یک از عاملان احتمالی زیان تنها ناظر به بخشی از خسارت است و نه تمام آن، تمام هزینه فعالیت درونی سازی نمی‌شود و سطح بهینه احتیاط رعایت نخواهد شد. در حالی که در نظام مبتنی بر تقصیر اگر سطح لازم احتیاط مطابق با سطح بهینه احتیاط تعریف شود، با توجه به اینکه عاملان زیان با اتخاذ این میزان از احتیاط از هر مسئولیتی معاف می‌شوند، انگیزه لازم برای رعایت این سطح از احتیاط را خواهند داشت.^۱

برای مثال فرض کنیم با دو عامل زیان احتمالی روبرو هستیم. هزینه احتیاط برای عامل زیان نخست w_1 و برای عامل زیان دوم w_2 ، میزان احتیاط هر یک x_1 و x_2 ، احتمال بروز حادثه $p(x_1, x_2)$ و میزان خسارت در فرض وقوع A است. در این صورت هدف اجتماعی این است که $w_1 + w_2 + p(x_1, x_2)A$ به حداقل ممکن برسد. حال با به کارگیری مسئولیت تضامنی و سپس مراجعه عاملان زیان به یکدیگر به میزان مداخله در خطر، سهم عامل زیان نخست از خسارت s_1 و سهم عامل زیان دوم s_2 خواهد بود که مجموع این دو برابر یک است یعنی کل خسارت را پوشش می‌دهد. حال در نظام مسئولیت محض هزینه فعالیت برای هر یک از عاملان زیان برابر است با $w_j + p(x_1, x_2)s_jA$ و وی درصدد خواهد بود که این هزینه را به حداقل برساند. با توجه به اینکه هزینه حادثه برای هر یک از عاملان زیان (s_jA) کمتر از هزینه واقعی حادثه (A) است، در نتیجه وی سطح بهینه احتیاط را اتخاذ نخواهد کرد. راهکار حل این موضوع این است که تمام عاملان احتمالی زیان در معرض تحمل تمام خسارت باشند اما این راهکار با توجه به اینکه به زیان دیده امکان دریافت خسارتی بیش از ضرر وارده را می‌دهد، قابل پذیرش نیست.^۲

در ادامه مقایسه مسئولیت تضامنی و مسئولیت نسبی، می‌توان گفت ارجحیت مسئولیت تضامنی در این است که به زیان دیدگان انگیزه بیشتری برای اقامه دعوا می‌دهد؛ زیرا در فرض وجود مسئولیت نسبی، زیان دیده مکلف به اقامه دعوی متعدد است و هزینه این اقدام، ممکن است از انگیزه وی در خصوص اقامه دعوا بکاهد. در نتیجه احتمال اینکه عاملان زیان ناچار به تحمل هزینه اجتماعی فعالیت خود نشوند، افزایش یافته و از میزان بازدارندگی نظام مسئولیت

۱. Faure, Michael, "Attribution of Liability: An Economic Analysis of Various Cases", op. cit, pp. 613, 615, 616.

۲. Miceli, Thomas, op. cit, p. 98.

مدنی کاسته می‌شود. در نقطه مقابل، در صورت وجود مسئولیت تضامنی، اقامه دعوا برای زیان- دیده تسهیل می‌شود زیرا وی می‌تواند تنها علیه یکی از عاملان احتمالی زیان اقامه دعوا کند. این امر به درونی سازی تمام هزینه حادثه از سوی عاملان احتمالی زیان نیز کمک می‌کند. به این ترتیب مسئولیت تضامنی در صورتی که عاملان زیان حق مراجعه به یکدیگر به نسبت میزان مداخله در خطر را داشته باشند و نیز هیچ یک از آن‌ها ورشکسته نباشند، می‌تواند به نحو بهتری انگیزه احتیاط را فراهم کند.^۱

ب) برخی از عاملان احتمالی زیان ورشکسته‌اند: در مسئولیت تضامنی در صورتی که برخی از عاملان احتمالی زیان ورشکسته باشند، عاملی که کل خسارت وارده به زیان‌دیده را جبران کرده است امکان مراجعه به این اشخاص را ندارد و به این ترتیب ناچار به تحمل خسارتی است که بخشی از آن را نمی‌توان ناشی از فعالیت وی دانست. این امر ممکن است منجر به افزایش میزان احتیاط عاملان زیان نشود اما بر میزان فعالیت آن‌ها تأثیر گذار است^۲ و به طور کلی از انگیزه اشخاص برای انجام فعالیت‌هایی که ممکن است از نظر اجتماعی مطلوب باشد، می‌کاهد. از این جهت گفته می‌شود که مسئولیت تضامنی، بازدارندگی بیش از حد را به دنبال دارد. این بازدارندگی یکی از دلایل اصلی مخالف با مسئولیت تضامنی و دفاع از مسئولیت نسبی است. باین حال باید توجه داشت که نظام مسئولیت نسبی، خطر ورشکستگی را متوجه زیان‌دیده می‌کند. به این معنا که زیان‌دیده باید تمام عاملان احتمالی زیان را طرف دعوا قرار دهد و اگر برخی از آن‌ها ورشکسته باشند، قسمتی از خسارت وارد بر وی جبران نشده خواهد ماند. به دلیل آثار توزیعی متفاوت این دو نوع مسئولیت گفته شده که تصمیم‌گیری نهایی در این خصوص وابسته به سیاست‌های کلی در هر نظام حقوقی است و قانون‌گذار باید تصمیم بگیرد که با استفاده از مسئولیت تضامنی، خطر ورشکستگی بعضی از عاملان زیان را متوجه سایر عاملان زیان سازد و در نتیجه کاهش سطح فعالیت را بپذیرد و یا با به کارگیری مسئولیت نسبی این خطر را متوجه زیان‌دیده نماید و از جبران عادلانه خسارت صرف نظر کند.^۳

۱. Faure, Michael, "Attribution of Liability: An Economic Analysis of Various Cases", op. cit, p. 614.

۲ به نظر می‌رسد توجه این گزاره مشابه استدلال مربوط به اثر سوء اماره سببیت است که در شماره ۲ بیان شد.

۳. Ibid, pp. 617, 618.

۴- معرفی و بررسی اقتصادی راهکارهای موجود در مواجهه با مجمل بودن زیان‌دیده

فرض مجمل بودن زیان‌دیده در نقطه مقابل فرض پیش‌قرار می‌گیرد؛ یعنی در این فرض روشن است که عامل زیان به واسطه فعل زیان‌بار خود سبب ورود خسارت به برخی اشخاص شده اما امکان تعیین این اشخاص وجود ندارد. در این حالت هر یک از زیان‌دیدگان در معرض فعل زیان‌بار قرار داشته‌اند و از این جهت ممکن است به واسطه این فعل، متحمل خسارت شده باشند. با این حال شواهد نشان می‌دهد که در واقع تنها خسارت وارد به یک یا چند نفر از بین زیان‌دیدگان به سبب فعل زیان‌بار بوده و خسارت وارد به سایرین در نتیجه عوامل محیطی دیگر ایجاد شده است. مصداق شایع این فرض موردی است که انتشار نوعی آلاینده یا تولید نوعی دارو موجب افزایش میزان ابتلا به بیماری نسبت به وضعیت معمول می‌گردد. برای مثال اگر به دنبال تأسیس کارخانه و انتشار آلاینده ناشی از فعالیت آن، میزان ابتلا به سرطان در یک ناحیه ده درصد افزایش یابد و از پنج درصد به پانزده درصد برسد، می‌توان گفت که از هر صد نفر، ده نفر به دلیل وجود آلاینده و پنج نفر به دلیل سایر عوامل مبتلابه بیماری شده‌اند؛ اما دشواری احراز رابطه سببیت و جبران خسارت در این است که امکان تعیین ده نفر مذکور از بین پانزده نفری که مبتلابه بیماری‌اند، وجود ندارد.^۱

در این حالت اگر بار اثبات رابطه سببیت به عهده زیان‌دیده باشد، زیان‌دیده (به‌ویژه در نظام‌های حقوق نوشته) ناتوان از اثبات رابطه سببیت به صورت مسلم است و در نتیجه خسارت جبران نشده باقی می‌ماند. عامل زیان نیز با در نظر داشتن این نکته، انگیزه‌ای برای درونی‌سازی هزینه حادثه و محاسبه آن در هزینه فعالیت خود ندارد؛ بنابراین میزان احتیاط و فعالیت او مطابق با سطح بهینه آن نخواهد بود. از سوی دیگر اگر با ایجاد اماره سببیت، بار اثبات عدم وجود سببیت بر عهده عامل زیان قرار گیرد، وی قادر نیست خلاف این اماره را اثبات کند زیرا به هر حال تمام زیان‌دیدگان در معرض خطر ناشی از فعالیت وی قرار داشته‌اند و احتمال دارد خسارت آن‌ها ناشی از فعل زیان‌بار باشد. در نتیجه عامل زیان مکلف به جبران خسارت تمام زیان‌دیدگان می‌شود و این در حالی است که بخشی از این خسارات را نمی‌توان ناشی از فعل او

۱. Gilead, Israel, et al, op. cit, p. 31; Oliphant, Ken, op. cit, p. 595.

دانست. (همان‌طور که در بند دوم و در بحث از جابجایی بار اثبات توضیح داده شد، این امر ممکن است بر سطح بهینه احتیاط تأثیری نداشته باشد اما باعث کاهش سطح فعالیت خواهد شد.) بنابراین هر دوی این راهکارها در نهایت ناکارایی نظام مسئولیت مدنی در فرض مذکور را به دنبال دارد. به این واسطه راهکاری که نگرش اقتصادی در این موارد توصیه می‌کند استفاده از مسئولیت نسبی است.^۱

در توضیح بیشتر کارایی مسئولیت نسبی، اگر فرض کنیم احتمال بروز خسارت در نتیجه سایر عوامل محیطی، q بوده و در نتیجه فعل عامل زیان، این احتمال به میزان $p(x)$ (برای نشان دادن تأثیر میزان احتیاط عامل زیان یا x بر احتمال وقوع حادثه، از تابع $p(x)$ که تابع نزولی x است به عنوان نماد احتمال بروز حادثه، استفاده می‌شود) افزایش یافته باشد؛ آنگاه احتمال بروز حادثه به‌طور کلی عبارت است از $p(x)+q$. در این حالت اگر میزان خسارت هر یک از زیان‌دیدگان A و تعداد زیان‌دیدگان n باشد؛ هزینه مورد انتظار حادثه $[p(x)+q]nA$ و هزینه اجتماعی حادثه با در نظر گرفتن هزینه احتیاط عامل زیان یا w ، عبارت است از $[p(x)+q]nA+w$ یا $p(x)nA+qnA+w$. هدف اجتماعی این است که هزینه مذکور با اتخاذ سطح بهینه احتیاط یا x^* ، به حداقل برسد. حال سوال این است که آیا نظام مسئولیت نسبی این نتیجه را به دنبال دارد؟ با استفاده از مسئولیت نسبی، هر یک از زیان‌دیدگان مستحق دریافت بخشی از خسارت مطابق با نسبت بین احتمال بروز بیماری در اثر آلاینده به احتمال کل بروز بیماری، هستند. به عبارت دیگر خسارت پرداختی به هر زیان‌دیده معادل $A \frac{p(x)}{p(x)+q}$ و مجموع خسارت پرداختی به تمام افراد برابر با $[p(x)+q]nA$ است. بنابراین؛ هزینه مورد انتظار عامل زیان که حاصل ضرب احتمال وقوع خسارت در میزان خسارت است برابر با $[p(x)+q] \times \frac{p(x)}{p(x)+q} nA$ خواهد بود. ساده کردن این عبارت نشان می‌دهد هزینه مورد انتظار عامل زیان برابر $p(x) \times nA$ و هزینه خصوصی فعالیت برابر است با $[p(x) \times nA] + w$. تلاش برای به حداقل رساندن این هزینه منجر به اتخاذ سطح بهینه احتیاط خواهد شد. در واقع اگرچه این هزینه با هزینه اجتماعی حادثه به میزان qnA تفاوت دارد اما با توجه به اینکه این رقم ثابت است، بر سطحی از احتیاطی که هزینه را به حداقل می‌رساند تأثیری

۱. Schafer, Hans-Bernd; Ott, Claus, op. cit, pp. 241, 242.

ندارد.^۱

اگرچه استفاده از مسئولیت نسبی باعث می‌شود افرادی جز زیان‌دیدگان واقعی نیز، بخشی از خسارت خود را از عامل زیان دریافت کنند اما باید توجه داشت مسئولیت مذکور علاوه بر ایجاد انگیزه در عامل زیان برای اتخاذ سطح بهینه احتیاط، سبب می‌شود زیان‌دیدگان نیز به دلیل ناتوانی در اثبات رابطه سببیت، به‌طور کلی از جبران خسارت خود محروم نمانند؛ بنابراین در فرضی که امکان تشخیص زیان‌دیدگان واقعی وجود ندارد، می‌تواند بهترین راهکار محسوب شود.

لازم به ذکر است از بین کشورهای اروپایی تنها سوئیس استفاده از مسئولیت نسبی در فرض مجمل بودن زیان‌دیدگان را می‌پذیرد و در رویه قضایی سایر کشورها، غالباً زیان‌دیدگان مجمل از جبران خسارت خود محروم می‌مانند.^۲ باین حال بند ۲ از ماده ۳:۱۰۳ اصول اروپایی مسئولیت مدنی، مسئولیت نسبی را در این خصوص به رسمیت شناخته و مقرر می‌کند در موارد تعدد زیان‌دیدگان، اگر محرز نباشد که زیان وارده به هر زیان‌دیده خاص، در نتیجه فعل زیان‌بار بوده است یا خیر؛ فعل زیان‌بار به نسبت احتمال ایجاد خسارت برای هر یک از افراد، سبب حادثه قلمداد خواهد شد.^۳

در ایران نیز این نظر مطرح شده که فرض زیان‌دیدگان مجمل را می‌توان قابل تبدیل به فرض تعدد اسباب دانست. به این معنا که اگر در اثر فعل زیان‌بار احتمال بروز بیماری بین صد نفر به‌طور کلی ۱۰ درصد افزایش یافته و از ۵ درصد به پانزده درصد رسیده، می‌توان گفت عامل زیان نه در بروز بیماری ده نفر به‌طور کامل سببیت داشته بلکه در بروز بیماری تمام پانزده نفر به میزان $\frac{2}{3}$ دخالت داشته و در واقع یکی از اسباب بروز بیماری در کنار سایر اسباب است. از این جهت پیشنهاد شده عامل زیان تنها به نسبت مداخله در بروز بیماری هر یک از زیان‌دیدگان

۱. Miceli, Thomas, op. cit, pp. 64, 65.

۲. Gilead, Israel, et al, op. cit, p. 34.

۳. Art. 3:103 (2) If, in case of multiple victims, it remains uncertain whether a particular victim's damage has been caused by an activity, while it is likely that it did not cause the damage of all victims, the activity is regarded as a cause of the damage suffered by all victims in proportion to the likelihood that it may have caused the damage of a particular victim.

در قبال وی مسئول قرار گیرد.^۱

نتیجه گیری

بر اساس نگرش اقتصادی، هر عاملی که اقامه دعوا را به طور کلی با دشواری روبرو سازد، سبب می شود که عامل زیان هزینه حادثه را نادیده بگیرد و در نتیجه از اتخاذ سطح بهینه احتیاط خودداری نماید. این در حالی است که در دعاوی زیست محیطی عدم قطعیت رابطه سببیت بین فعل زیان بار واحد و زیان دیده واحد، مجمل بودن عامل زیان و مجمل بودن زیان دیده، موارد شایعی هستند که احراز رابطه سببیت را با دشواری روبرو می سازند.

نگرش اقتصادی در دو مورد نخست، راهکار قاطعی را ارائه نمی دهد. در فرض عدم قطعیت رابطه سببیت، از یکسو استفاده از رویکرد مرسوم «همه یا هیچ» در جبران خسارت، سطح بهینه احتیاط را تأمین نمی کند. از سوی دیگر اگرچه پذیرش مسئولیت نسبی بر اساس احتمال سببیت، انگیزه رعایت این سطح از احتیاط را فراهم می آورد اما از آنجا که افزایش تعداد دعاوی و پیچیدگی آن ها را به دنبال دارد، هزینه اداره دعاوی را افزایش می دهد. به همین دلیل نمی توان این رویکرد را در تمام موارد قابل توصیه دانست. در فرض دوم یعنی مجمل بودن سبب، در صورتی که تمام عوامل احتمالی زیان، سرمایه کافی برای جبران خسارت داشته باشند، دو راهکار مرسوم در این موارد یعنی مسئولیت نسبی و تضامنی، تفاوتی از حیث ایجاد انگیزه احتیاط ندارند. تنها تفاوت دو راهکار مذکور در این است که نظام مسئولیت تضامنی با تسهیل اقامه دعوا، بهتر می تواند بازدارندگی نهاد مسئولیت مدنی را حفظ نماید. حال در فرض احتمال ورشکستگی برخی از عواملان زیان، از یکسو مسئولیت تضامنی سطح فعالیت را به حدی کمتر از سطح بهینه می رساند و از سوی دیگر مسئولیت نسبی خطر ورشکستگی را به زیان دیده تحمیل می کند؛ بنابراین اگر قانون گذار در صدد تشویق فعالیت ها و رشد اقتصادی است، مسئولیت نسبی را باید پیش بینی کند و در نقطه مقابل اگر به دنبال حمایت از زیان دیدگان است باید مسئولیت تضامنی را بپذیرد.

۱. برادران هاشمی، سیما، رویکرد اقتصادی به قواعد و مقررات مسئولیت زیست محیطی با نگاهی به حقوق ایران و اتحادیه اروپا، کارشناسی ارشد، حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱، ص ۷۲.
(البته به نظر می رسد که در این منبع بین مفهوم سبب مجمل و زیان دیده مجمل خلط شده و از مثال افزایش احتمال بیماری به عنوان مصداق سبب مجمل یاد شده است).

اما در فرض سوم در خصوص مجمل بودن زیان دیده، مطابق نگرش اقتصادی، مسئولیت نسبی از حیث تأمین سطح بهینه احتیاط بر عدم جبران خسارت و نیز جبران خسارت تمام زیان دیدگان به طور کامل؛ رجحان دارد؛ بنابراین توصیه می‌شود که در مواجهه با این فرض، قانون‌گذار مسئولیت نسبی را مورد پذیرش قرار دهد.



منابع

فارسی

- بادینی، حسن، *فلسفه مسئولیت مدنی*، چاپ دوم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲).
- برادران هاشمی، سیما، رویکرد اقتصادی به قواعد و مقررات مسئولیت زیست محیطی با نگاهی به حقوق ایران و اتحادیه اروپا، کارشناسی ارشد، حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱.
- صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌اله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ هشتم، تهران، سمت، ۱۳۹۴.
- صفری، محسن، «مسئولیت مدنی سبب مجمل»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۴۹، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت مدنی*، جلد اول، چاپ دوازدهم، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۲).
- کاظمی، محمود، «نظریه از دست دادن فرصت»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۵۳، ۱۳۸۰.
- محسنی، حسن؛ مرادی‌نژاد، رضا، «مطالعه تطبیقی راهکارهای جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسئولیت مدنی»، *فصلنامه حقوق*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره چهارم، شماره ۱، ۱۳۸۹.

English Sources

- Ben-Shahar, Omri, "Causation and Foreseeability", in Michael Faure (ed.), *Tort Law and Economics* (Encyclopedia of Law and Economics, Vol. 1), Cheltenham: Edward Elgar, 2009.
- Bentata, Pierre; Faure, Michael, "The Role of Environmental Civil Liability: An Economic Analysis of the French Legal System", *Environmental Liability, Law, Policy and Practice*, vol. 4, 2012.
- Cooter, Robert; Ulen, Thomas, *Law & Economics*, 6th ed, Boston: Addison-Wesley, 2012.
- Faure, Michael, "Attribution of Liability: An Economic Analysis of Various Cases", *Chicago-Kent Law Review*, Volume 91, Issue 2, 2016.
- Faure, Michael, "Environmental Liability", in Michael Faure (ed.), *Tort Law and Economics*, Cheltenham: Edward Elgar, 2009.
- Faure, Michael, "Regulatory Strategies in Environmental Liability", in Fabrizio Cafaggi & Horatia Muri Watt (eds.), *The Regulatory Function of European private Law*, Cheltenham: Edward Elgar, 2009.
- Gilead, Israel; Green, Michael; Koch, Bernhard, "General Report, Causal

Uncertainty and Proportional Liability, Analytical and Comparative Report”, in Israel Gilean, Michael Grenn, Bernhard Koch (eds.), *Tort and Insurance Law*, vol. 33, Berlin: De Gruyter, 2013.

- Hinteregger, Monika (ed.), *Environmental Liability and Ecological Damage in European Law (The Common Core of European Private Law)*, UK: Cambridge University Press, 2008.

- Miceli, Thomas J, *The Economic Approach to Law*, California: Stanford University Press, 2004.

- Moréteau, Olivier, “France: French Tort Law in the Light of European Harmonization”, *Journal of Civil Law Studies*, Vol. 6, Issue 2, 2013.

- Oliphant, Ken, “causation in Cases of Evidential Uncertainty: Judicial Techniques and Fundamental Issues”, *Chicago-Kent law Review*, Vol. 91, Issue 2, 2016.

- Posner, Richard A, *Economic Analysis of Law*, 6th ed, New York: ASPEN Publishers, 2003.

- Sands, Philippe, *Principles of International Environmental Law*, 2nd ed, New York: Cambridge University press, 2003.

- Schafer, Hans-Bernd; Ott, Claus, *The Economic Analysis of Civil Law*, UK: Edward Elgar, 2004.

- Shavell, Steven, *Foundations of Economic Analysis of Law*, London: Harvard University Press, 2004.

- Shavell, Steven, “Liability for Harm versus Regulation of Safety”, *The Journal of Legal Studies*, vol. 13, no. 2, 1984.

- Sobczak, Faro, *Liability for Asbestos-Related Injuries*, Maastricht: Universitaire Pers Maastricht, 2013.

- Thunis, Xavier, “Fonction et Fondement de la Responsabilité en Matière Environnemental, Rapport belge”, in B. Dubuisson et G. Viney (eds.), *Les Responsabilités Civiles Environnementales dans l’Espace Européen, Point de Vue Franco-belge*, Bruxelles, Bruylant, LGDJ, 2006.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی